

Corporate Governance Quality and Stakeholder Management: The Mediating Role of the Likelihood of Fraudulent Reporting¹

Ali Asghari Shiveh², Farzad Ghayour³, Gholamreza Mansourfar⁴

Received: 2021/01/15

Accepted: 2023/05/16

Research Paper

Abstract

Purpose: examining the causes and conditions of financial scandals in companies shows that the lack of effective control over managers and imperfect governance of shareholders over how to manage affairs, along with delegating unlimited authority to management, provides grounds for fraud and fraudulent reporting. Fraudulent reporting diverts the company's interests to specific groups, thus intensifying the conflict of interests of the stakeholders. Therefore, the present study examines the impact of corporate governance quality on stakeholder management with an emphasis on the mediating role of fraudulent financial reporting.

Methodology: The research sample includes 96 companies listed in Tehran Stock Exchange between 2010 and 2020 that investigated using multiple regression.

Results: Findings showed that there is a direct and significant relationship between the quality of corporate governance and the second method of stakeholder management, but this relationship is not significant in the first method of stakeholder management and there is a significant inverse relationship between the quality of corporate governance and the likelihood of fraudulent reporting; It was also found that there is an inverse and significant relationship between the possibility of fraudulent reporting and the second method of stakeholder management. Consequently, the mediating role of the possibility of fraudulent reporting in the relationship between the quality of corporate governance and the second method of stakeholder management is also confirmed.

Keywords: Corporate Governance, Stakeholder Management, Fraudulent Reporting.

JEL Classification: M41, M42.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2023.39171.1665

2. M.Sc. Department of Accounting, Urmia University, Urmia, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran. Corresponding Author. (f.ghayour@urmia.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Finance, Urmia University, Urmia, Iran.



کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان: نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه^۱

علی اصغری شیوه^۲، فرزاد غیور^۳، غلامرضا منصورفر^۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶

چکیده

هدف: بررسی علل و شرایط پدید آوری و ریشه‌های مالی در شرکت‌ها نشان می‌دهد که فقدان نظارت مؤثر بر مدیران و حاکمیت ناقص سهامداران بر نحوه اداره امور در کنار تفویض اختیارات نامحدود به مدیریت، زمینه را برای تقلب مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه فراهم می‌کند. گزارشگری متقلبانه باعث می‌شود تا منافع شرکت به سمت گروه‌های خاصی هدایت شود و بدین ترتیب تقابل منافع ذینفعان تشدید یابد. بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان با تأکید بر نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه می‌باشد. **روش:** نمونه پژوهش شامل ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: طبق یافته‌ها، بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان با استفاده از روش دوم رابطه مستقیم و معنی‌دار وجود دارد ولی این رابطه در روش اول مدیریت ذینفعان معنی‌دار نیست و بین کیفیت حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری متقلبانه رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد؛ همچنین مشخص گردید که بین احتمال گزارشگری متقلبانه و روش دوم مدیریت ذینفعان رابطه معکوس و معنی‌دار برقرار است و در نتیجه، نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و روش دوم مدیریت ذینفعان نیز رد نگردید.

نتیجه گیری: در مجموع نتایج حاکی از آن است که مسئله مدیریت ذینفعان در محیط تجاری ایران بیشتر در جهت تأمین منافع سهامداران صورت می‌گیرد و مفاهیم تئوری نمایندگی از برجستگی و نمود بیشتری برخوردار است.

دانش افزایی: نتایج پژوهش حاضر می‌تواند سیاست‌گذاران حوزه‌های مختلف قوانین و استانداردهای حسابداری را با تکیه بر تأمین نیازهای اطلاعاتی ضروری ذینفعان متنوع یاری رساند.

واژه های کلیدی: مدیریت ذینفعان، حاکمیت شرکتی، گزارشگری متقلبانه.

طبقه بندی موضوعی: M41, M42.

10.22051/JAASCI.2023.39171.1665 : DOI ۱

۲. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (st_a.asghari@urmia.ac.ir).

۳. استادیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. نویسنده مسئول. (f.ghayour@urmia.ac.ir).

۴. دانشیار، گروه علوم مالی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (g.mansourfar@urmia.ac.ir).

مقدمه

به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصادی و شاید اصلی‌ترین عامل پیشرفت صنعتی که از قرن ۱۸ میلادی آغاز شد، می‌توان از ظهور شرکت‌های سهامی یاد کرد. از نتایج این پدیده، جدایی مالکیت از مدیریت و در نتیجه ایجاد تضاد منافع و به دنبال آن شکل‌گیری موضوعاتی همچون مسئله نمایندگی بود (بنی مهد، ۱۴۰۰، ۱۳۵). بنابراین، از مباحث مهمی که در سال‌های اخیر به موجب رسوایی‌های گسترده مالی در سطح شرکت‌های بزرگ مورد توجه محققان قرار گرفته و به عنوان یکی از موضوعات مهم برای سرمایه‌گذاران مطرح گردیده، موضوع «حاکمیت شرکتی» است که بر لزوم نظارت بر مدیران و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و نهایتاً حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و کلیه ذینفعان تأکید می‌کند (حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۹۰، ۵). در تئوری ذینفعان این مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد که وضع قواعد و اصول حاکمیت شرکتی تنها با هدف رفع مسئله نمایندگی بین سهامداران به عنوان کارفرما و مدیران به عنوان نمایندگان ایشان نیست؛ بلکه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در وهله نخست با توجه به روابطی که بین شرکت و دیگر اشخاص در قالب قراردادهایی غیر از قرارداد نمایندگی مطرح می‌شود، اقتضا می‌کند که قواعد حاکمیت شرکتی جهت تأمین حقوق کلیه ذینفعان سازمان‌دهی شود (حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵، ۱۲۹). از سوی دیگر، نبود نظارت اثربخش بر عملکرد مدیران و حاکمیت ناقص سهامداران بر نحوه اداره امور در کنار تفویض اختیارات نامحدود به مدیریت، زمینه ساز تقلب مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه می‌باشد. به کارگیری گزارشگری مالی متقلبانه باعث تنزل در کیفیت اطلاعات حسابداری گردیده که این امر می‌تواند مستقیماً هم بر جریانات نقدی شرکت که به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری منافع هر یک از گروه‌های ذینفع می‌باشد و هم بر نرخ هزینه سرمایه که در تنزیل این جریانات نقدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تأثیر بگذارد و اجازه ندهد که مدیریت ذینفعان به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد (خواجوی و ابراهیمی، ۱۳۹۷، ۷۶). علی‌رغم کنکاش موضوع ذینفعان در تحقیقات خارجی و تغییر استراتژی‌های مدیریت آن‌ها در نتیجه اتخاذ این رویکرد، بررسی ابعاد و مفاهیم این نگرش در تحقیقات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با عنایت به اهمیت آن در دنیای امروز ضروری است تا در تحقیقات داخلی نیز این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و از رویکرد جهانی سازی و

پیوستن به جامعه جهانی مغفول نماند. بر این اساس، مطالعه حاضر به دنبال بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان و آزمون نقش میانجی احتمال گزارشگری متقابلانه در این رابطه می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به سیاست‌گذاران حوزه‌های مختلف قوانین و استانداردهای حسابداری به منظور شناسایی و تأمین نیازهای اطلاعاتی ضروری ذینفعان متنوع کمک نماید.

در همین راستا در ادامه پژوهش به بیان مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. پس از ارائه پیشینه تجربی در دو حوزه داخلی و خارجی و طرح فرضیه‌های پژوهش، با ارایه روش‌شناسی پژوهش و اجرای آزمون‌های آماری، به تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش مبتنی بر آمار توصیفی و استنباطی پرداخته می‌شود. در انتها نیز، بر اساس مدل‌های برازش شده به طور خلاصه نتایج حاصل از پژوهش و مقایسه آن‌ها با مبانی نظری انجام گردیده و پیشنهاداتی برای استفاده‌کنندگان و جامعه علمی و دانشگاهی ارایه شده است.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

مدیریت ذینفعان

گسترش روزافزون کسب و کارها و توسعه دامنه فعالیت شرکت‌ها باعث شده است تا گروه‌های زیادی از افراد و حتی محیطی که شرکت در آن فعالیت می‌کند، تحت تأثیر نتایج عملکرد واحدهای تجاری قرار بگیرد. بنابراین، لازم است که شرکت‌ها نسبت به گروه‌های مختلفی پاسخگو باشند. برخلاف تئوری نمایندگی که در آن تمرکز اصلی معطوف به رابطه بین مدیران و سهامداران می‌باشد، تئوری ذینفعان بیان می‌کند که مدیران باید تصمیماتی اتخاذ کنند که منافع همه ذینفعان را در نظر می‌گیرد. خاستگاه مفهوم ذینفعان در ادبیات علمی کسب و کار قرار دارد (فریمن، ۱۹۸۴، ۴۳). حتی در محافل دانشگاهی نیز تعاریف بی‌شماری از ذینفع ارائه شده است بدون این که در رابطه با آن به اجماع رسیده باشند؛ در نتیجه، تعریفی واحد، قطعی و مورد پذیرش عموم ارائه نشده است (میناردز، آلوز و راپوسو، ۲۰۱۱، ۲۹). به طور مثال دونالدسون و پرستون معتقدند ذینفعان، افراد یا گروه‌هایی هستند با منافع قانونی در جنبه‌های رویه‌ای و ماهوی فعالیت‌های شرکت (دونالدسون و پرستون، ۱۹۹۵، ۶۷). اما معروف‌ترین تعریف در این رابطه توسط فریمن (۱۹۸۴، ۳۰) ارائه شده است؛ وی معتقد است ذینفع فرد یا گروهی است که بتواند بر تحقق اهداف سازمان اثرگذار بوده یا تحت

تأثیر آن قرار بگیرد. ذینفعان می‌توانند اولیه یا ثانویه باشند. ذینفعان اولیه، گروه‌هایی هستند که بدون مشارکت دائمی آن‌ها، شرکت نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد. این گروه شامل کارکنان، مشتریان، سهامداران، تأمین‌کنندگان، جوامع و دولت‌ها هستند (کلارکسون، ۱۹۹۵، ۱۰۳). شرکت‌ها به ذینفعانی که منابع حیاتی لازم برای بقاء آن را تأمین می‌کنند، توجه می‌نمایند (اگل، میشل و سونفلد، ۱۹۹۹، ۵۱۴). ذینفعان اولیه به منابع کلیدی دسترسی دارند؛ آن‌ها با خودداری یا ارائه تلاش (مانند کارکنان)، تأمین مواد اولیه (مانند تأمین‌کنندگان) یا جریانات نقدی (مانند مشتریان و سرمایه‌گذاران) بر شرکت اثرگذار هستند. شرکت‌هایی که با ذینفعان اولیه فراتر از معاملات بازار ارتباط برقرار می‌کنند نسبت به رقبای خود مزیت رقابتی به دست می‌آورند (بارنی و هانسن، ۱۹۹۴، ۱۸۰). به گفته گالبریت (۲۰۰۶، ۳۴) تعامل مؤثر با ذینفعان اولیه، منابعی را ایجاد می‌کند که به راحتی توسط رقبا قابل تقلید نیست. بقا و موفقیت شرکت به توانایی مدیران آن در ایجاد ثروت، ارزش و رضایت کافی برای ذینفعان اولیه آن بستگی دارد. اگر هر یک از گروه‌های ذینفع اولیه از حمایت خود از شرکت عقب‌نشینی کند، عملکرد شرکت به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کلارکسون، ۱۹۹۵، ۱۱۰)؛ زیرا هریک از ذینفعان به نحوی در موفقیت شرکت نقش دارند؛ سهامداران، سرمایه‌ی شرکت را فراهم می‌کنند و در عوض انتظار دارند در سطح مشخصی از ریسک بازده‌شان حداکثر گردد؛ اعتباردهندگان شرکت را تأمین مالی می‌کنند و در عوض انتظار دارند تا بدهی‌شان در موعد مقرر بازپرداخت شود؛ مدیران و کارکنان وقت، مهارت و سرمایه‌ی انسانی صرف می‌کنند و در عوض انتظار درآمد منصفانه و شرایط کاری مناسب را دارند؛ مشتریان درآمد شرکت را تأمین می‌کنند و در عوض انتظار ارزش پولشان را دارند؛ تأمین‌کنندگان نهاده‌های تولیدی شرکت را تأمین می‌کنند و در عوض انتظار قیمت‌های عادلانه و خریداران مورد اعتماد را دارند؛ جوامع محلی شرکت را با مکان‌ها، زیرساخت‌های محلی و شاید برخوردهای مالیاتی مطلوب تأمین می‌کنند و در عوض از شهروندان شرکتی انتظار دارند که کیفیت زندگی را بهبود بخشند و به آن آسیبی نرسانند؛ عموم مردم به عنوان پرداخت‌کنندگان مالیات، زیرساخت‌های ملی شرکت را فراهم می‌کنند و در عوض انتظار دارند شهروندان شرکتی کیفیت زندگی را بالا ببرند و به آن آسیبی نرسانند و قوانین بازی تعیین شده توسط مردم از طریق نهادهای قانون‌گذار را نقض نکنند (هیل و جونز، ۱۹۹۲، ۱۴۳). بنابراین، مدیران باید

تلاش کنند تا منافع و نیازهای همه گروه‌های ذینفع را برآورده سازند؛ اما مسئله اینجاست که منافع این گروه‌ها مانع‌الجمع هستند. به عنوان مثال، اعتباردهندگان با انجام حمایت‌های خود از شرکت خواستار بازده‌های بالا می‌باشند که این امر منجر به کاهش بازده سهامداران می‌گردد. در چنین شرایطی مدیران باید به گونه‌ای عمل کنند که منافع تمام ذینفعان در یک راستا قرار گیرد؛ به این معنا که ایجاد ارزش برای یکی از آن‌ها مستلزم کاستن از منافع دیگران نباشد. در اینگونه موارد مدیران باید روابط ذینفعان را مدیریت کنند که در اصطلاح به آن مدیریت ذینفعان گفته می‌شود. مقصود از مدیریت ذینفعان، برقراری توازن بین منافع و نیازهای متضاد و متقابل گروه‌های مختلف ذینفع در یک شرکت است. عیسایی تفرشی و یحیی پور (۱۳۹۲، ۱۴۸)، منافع سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع را از دیدگاه قانون تجارت مورد بررسی قرار دادند. به عقیده آن‌ها همگرایی دو نظریه ذینفع محوری و سهامدار محوری در رویکرد جدید حاکمیت شرکتی بیانگر آن است که در نظر گرفتن منافع سایر گروه‌های غیر سهامدار در اداره شرکت، منجر به حداکثرسازی منافع پایدار و بلندمدت سهامداران می‌شود.

حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان

یکی از مکانیزم‌هایی که انتظار می‌رود به فرایند مدیریت ذینفعان کمک کند، اسقرار یک ساختار مؤثر و کارآمد حاکمیت شرکتی است. در تعریفی عام، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آن (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان بیان می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۵، ۳۳). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، حاکمیت شرکتی را این گونه تعریف می‌کند: «حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت مدیره آن، سهامداران و سایر ذینفعان است که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به آن اهداف و همچنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران مشخص می‌گردد (OECD، ۲۰۰۴، ۱۹). نظام حاکمیت شرکتی واکنشی به مسئله نمایندگی است که از جدایی کنترل از مالکیت ناشی می‌شود. جدایی مدیریت از مالکیت، مباحث تضاد منافع را مطرح نمود و لزوم توجه به نظارت و کنترل سهامداران بر مدیران را بیشتر کرد (صفری گرایلی و

بالارستاقی، ۱۳۹۴، ۹۸). هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذینفعان است. حاکمیت شرکتی اثربخش، یک عامل بنیادی در فرایند بازسازی اقتصادهای در حال گذار است. این سیستم با تطبیق دادن و تنظیم کردن منافع و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و متقلبانه، عملکرد شرکت را بهبود می بخشد، کیفیت اطلاعات موجود برای مشارکت کنندگان در بازار سرمایه را ارتقاء داده و دستیابی به سرمایه خارجی را تسهیل می کند (حسینی و حقیقت، ۱۳۹۵، ۱۲۲). سازوکارهای حاکمیت شرکتی، مشکلات نمایندگی را کنترل کرده و در نتیجه این اطمینان حاصل می شود که مدیران در جهت منافع سهامداران فعالیت می کنند (خلیفه سلطانی و نایب محسنی، ۱۳۹۳، ۱۰). نتایج پژوهش انجام شده توسط طالبی و حسینی (۱۳۹۴، ۷)، بیانگر آن بود که ابعاد شفافیت، اثربخشی هیئت مدیره، حقوق سهامداران و اثرات مالکیت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر حاکمیت شرکتی دارا می باشند. برخی دیگر همچون صفری گرایلی و بالارستاقی (۱۳۹۴، ۹۸)، نشان دادند که اندازه شرکت، اهرم مالی و سودآوری شرکت عوامل مؤثر بر حاکمیت شرکتی هستند. موضوع حاکمیت شرکتی پس از تقلبها و رسواییهای مالی صورت گرفته در برخی از شرکت های آمریکایی همچون انرون و ورلد کام بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. هدف اصلی گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات سودمند به استفاده کنندگان صورت های مالی جهت تصمیم گیری است اما وارد شدن مقوله تقلب در بحث گزارشگری مالی باعث خدشه دار شدن اعتبار حرفه حسابداری در نزد عموم گردید.

گزارشگری مالی متقلبانه و مدیریت ذینفعان

طبق استانداردهای حسابرسی، تقلب، هرگونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری، کارکنان یا اشخاص ثالث است که متضمن فریبکاری برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی است (استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، ۱۳۹۴، ۲). با توجه به عضویت سازمان بورس اوراق بهادار در جمع اعضای سازمان بین المللی کمیسیون های اوراق بهادار، الزام به ارتقاء کیفیت اطلاعات مالی، توجه ویژه به جذب سرمایه گذاران خارجی در شرایط پسابرجام، افزایش تعداد شرکت های پذیرفته شده و استمرار روند خصوصی سازی در کشور، توجه به گزارشگری متقلبانه اهمیت ویژه ای دارد (سجادی و کاظمی، ۱۳۹۵، ۱۹۰). گزارشگری مالی متقلبانه

منجر به ارائه اطلاعات ناصحیح به بازار می‌شود و بر کارایی بازار در تخصیص منابع اثر می‌گذارد که پیامد آن سلب اعتماد سرمایه‌گذاران از بازار خواهد بود (مرادی، رستمی و زارع، ۱۳۹۳، ۱۵۰). طبق پژوهش انجام شده توسط سجادی و کاظمی (۱۳۹۵، ۲۰۱)، مهم‌ترین دلیل برای ارتکاب تقلب در صورت‌های مالی، اعمال فشار به مدیریت برای گزارش سود است. افزون بر این، انگیزه پاداش مدیران، سوءاستفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران به عنوان شرایط علی شناسایی شدند. شرایط علی شامل رویدادهایی هستند که بر پدیده‌ها اثر گذارند. اعتماد به صحت اطلاعات، سنگ بنای بازارهای سرمایه است و تقلب مالی این اعتماد را خدشه‌دار می‌کند. آثار زیانباری که رسوایی‌های مالی در سال‌های اخیر به وجود آورده است، توجه به بحث تقلب و به ویژه تقلب در صورت‌های مالی را اجتناب ناپذیر کرده است. این رسوایی‌ها نه تنها باعث تحمیل هزینه و زیان‌های اقتصادی به سهامداران می‌شود، بلکه هزینه‌های سیاسی، قضایی، مالی و ... را برای سایر ذینفعان و عموم جامعه به بار می‌آورد.

حاکمیت شرکتی و گزارشگری متقلبانه

تمرکز پژوهش‌های اخیر بر موضوع فروپاشی شرکت‌های بزرگی همچون انرون، ورلد کام و ... بر اثر تقلب‌های موجود در گزارشگری مالی است. پژوهش‌های انجام شده در ایران و جهان، حاکی از آن است که ساختار حاکمیت شرکتی اثربخش، احتمال گزارشگری متقلبانه را کاهش داده و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. برخی پژوهشگران همچون حساس یگانه (۱۳۸۵، ۳۳)، حاکمیت شرکتی را مقررات، ساختارها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی می‌دانند که یکی از اهداف آن رعایت حقوق ذینفعان است. بنابراین، انتظار بر این است که سیستم حاکمیت شرکتی موجب بهبود مدیریت ذینفعان گردد. از سوی دیگر، تقلب در گزارشگری مالی از طریق مخدوش کردن کیفیت محتوای صورت‌های مالی و ارائه نادرست اطلاعات می‌تواند بر مدیریت ذینفعان اثر منفی داشته باشد.

ریانی، سوکمدیلاگا و یونیتا (۲۰۲۱، ۶۷)، با نمونه‌ای به حجم ۵۰۶ که با تکنیک نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بود، به شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی (ANN) پرداختند. تعداد ۱۰ متغیر به عنوان شاخص ریسک تقلب جهت شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه انتخاب گردید. یافته‌ها حاکی از اثربخشی شبکه عصبی مصنوعی در کشف تقلب صورت‌های مالی

بود. کورنیوانتو (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان «حاکمیت شرکتی و افشاء ریسک شرکت: شواهدی از مالزی» به بررسی تأثیر اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره بر افشاء ریسک شرکت پرداختند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که اندازه هیئت مدیره بر افشاء ریسک شرکت تأثیر می‌گذارد، در حالی که استقلال هیئت مدیره تأثیر معناداری بر افشاء ریسک شرکت ندارد؛ این موضوع نشان می‌دهد که هرچه اندازه هیئت مدیره بزرگ‌تر باشد، سطح نظارت و فشار بر مدیریت بهتر خواهد بود؛ بنابراین مدیریت را ترغیب می‌کند تا شفافیت بیشتری در افشاء ریسک شرکت‌ها داشته باشد. لیائو، چن و ژنگ (۲۰۱۹، ۳۳۵۲)، به بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تقلب مالی در چین پرداختند. نمونه پژوهش متشکل از ۲۷۴۲ سال-شرکت مشاهده در بازه زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ بود. آن‌ها دریافتند که نمره مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها ارتباط منفی با فعالیت‌های مالی متقلبانه دارد؛ بدین معنی که هر اندازه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پایین‌تر باشد به احتمال قوی‌تر مرتکب تقلب خواهند شد. بنسن و دیویدسن (۲۰۱۰، ۹۴۵)، رابطه بین مدیریت ذینفعان، ارزش شرکت و پاداش هیئت مدیره را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که مدیریت ذینفعان رابطه مستقیمی با ارزش شرکت دارد اما شرکت‌ها پاداش زیادی به مدیران جهت داشتن رابطه خوب با ذینفعان اولیه آن پرداخت نمی‌کنند. نتایج همچنین حاکی از وجود رابطه درون‌زا بین پاداش هیئت مدیره و ارزش شرکت بود. بنی مهد (۱۴۰۰، ۱۳۸)، به تبیین تمایلات رفتاری در گزارشگری مالی متقلبانه پرداخت. تعداد ۲۵۹ نفر از کارشناسان حسابداری، رؤسای حسابداری و مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمونه پژوهش را تشکیل می‌داد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از سیستم معادلات ساختاری استفاده گردید. شواهد این پژوهش نشان داد که عواطف منفی بر گزارشگری مالی متقلبانه با فرض با اهمیت و بدون اهمیت تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. اما عواطف مثبت تنها بر گزارشگری مالی متقلبانه با فرض با اهمیت تأثیر معنی‌دار دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هیجان‌خواهی بر هر دو فرض گزارشگری مالی متقلبانه با اهمیت و بدون اهمیت تأثیر معنی‌داری دارد. گل محمدی، پور حیدری و بهارمقدم (۱۳۹۶، ۳۸۹)، به بررسی رابطه بین مدیریت ذینفعان با سود تقسیمی و ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که بین مدیریت ذینفعان و سود تقسیمی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین مدیریت ذینفعان و ارزش شرکت

رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. طاهری و امینی (۱۳۹۹، ۲) به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در رعایت حقوق ذینفعان در بانکداری اسلامی پرداختند. با استفاده از پرسشنامه و آزمون مقایسه میانگین چند جامعه، سطح استقرار حاکمیت شرکتی مبتنی بر سهامداران یا ذینفعان در گروه بانک‌های دولتی، بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که بانک‌های خصوصی در مقایسه با بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری وضع مطلوب‌تری در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی داشته و بانک‌های خصوصی در سطح ذینفعان اصول حاکمیت شرکتی را پیاده نموده و این در حالی است که سطح پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی و مؤسسات مالی و اعتباری در سطح سهامداران است. طالعی قره قشلاق، غیور و دیدار (۱۳۹۸، ۹۸)، به بررسی نقش سویه‌های رفتاری مدیریت بر مدیریت ذینفعان با تأکید بر اثر تعدیلگری کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، از نمونه‌ای شامل ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ استفاده شده است. نتایج آماری فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن است که از بین سویه‌های رفتاری مورد بررسی در این پژوهش، صرفاً کوتاه‌بینی مدیران بر مدیریت ذینفعان اثر منفی و معنادار دارد؛ همچنین تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سویه‌های رفتاری مدیریت (شامل کوتاه‌بینی، بیش‌اطمینانی و خودشیفتگی) و مدیریت ذینفعان تأیید نگردید.

با توجه به مطالب فوق، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردند:

- فرضیه (۱) کیفیت حاکمیت شرکتی بر احتمال گزارشگری متقلبانانه تأثیر معکوس دارد.
- فرضیه (۲) احتمال گزارشگری متقلبانانه بر روش اول مدیریت ذینفعان (SM_1) تأثیر معکوس دارد.
- فرضیه (۳) احتمال گزارشگری متقلبانانه بر روش دوم مدیریت ذینفعان (SM_2) تأثیر معکوس دارد.
- فرضیه (۴) کیفیت حاکمیت شرکتی بر روش اول مدیریت ذینفعان (SM_1) تأثیر مستقیم دارد.
- فرضیه (۵) کیفیت حاکمیت شرکتی بر روش دوم مدیریت ذینفعان (SM_2) تأثیر مستقیم دارد.
- فرضیه (۶) احتمال گزارشگری متقلبانانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و روش اول مدیریت ذینفعان (SM_1) نقش میانجی دارد.

فرضیه (۷) احتمال گزارشگری متقلبانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و روش دوم مدیریت ذینفعان (SM_2) نقش میانجی دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ روش از نوع رگرسیونی و همبستگی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادکاوی استفاده شده است. همچنین از بانکهای اطلاعاتی ره‌آورد نوین و سایت کدال سازمان بورس و اوراق بهادار، استفاده شد. برای اجرای این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد. قلمرو زمانی پژوهش یک دوره یازده ساله از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ بوده و انتخاب نمونه نهایی با استفاده از روش حذف سیستماتیک و اعمال محدودیت‌های زیر انجام می‌شود:

- ۱- پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
 - ۲- جزء بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های بیمه نباشد.
 - ۳- قبل از سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 - ۴- در دوره زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشد.
 - ۵- اطلاعات مورد نظر برای محاسبه متغیرهای پژوهش در دسترس باشد.
- با توجه به موارد بیان شده تعداد ۹۶ شرکت (طبق جدول ۱) به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید و با در نظر گرفتن دوره زمانی تحقیق، تعداد کل داده‌ها ۱۰۵۶ شرکت-سال می‌باشد.

جدول ۱. جدول غربالگری تعیین نمونه

۳۲۰	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	
(۵۲)	بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های بیمه	حذف
(۶۵)	شرکت‌های فاقد پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند	
(۳۲)	شرکت‌های پذیرش شده در بورس اوراق بهادار تهران بعد از سال مالی ۱۳۸۸	
(۶)	دارای تغییر سال مالی در طول دوره پژوهش	
(۶۹)	شرکت‌های فاقد اطلاعات مورد نیاز	
۹۶	تعداد شرکت‌های باقی مانده به عنوان عضو نمونه	

برای بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از دو آزمون لوین، لین و چو و ایم، پسران و شین استفاده گردید که نتایج حاکی از مانایی متغیرها در سطح می باشد. به منظور ارزیابی و تشخیص نوع الگوی داده‌های مورد استفاده در پژوهش از سه آزمون اف لیمر، بروش-پاگان و هاسمن استفاده شد که نتایج حاکی از ضرورت استفاده از الگوی پنلی مبتنی بر اثرات ثابت است. برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده و جهت بررسی مشکل خودهمبستگی از آزمون وولدریج استفاده شده است که نتایج حاکی از وجود ناهمسانی واریانس و خود همبستگی در کلیه مدلهاست، لذا جهت رفع مشکل ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده گردید.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

$$Fraud_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$SM1_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Fraud_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$SM2_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Fraud_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$SM1_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$SM2_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

$$SM1_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{i,t} + \beta_2 Fraud_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۶)}$$

$$SM2_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CGQ_{i,t} + \beta_2 Fraud_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۷)}$$

جدول ۲. متغیرهای استفاده شده در پژوهش

ردیف	نماد متغیر	معادل فارسی	نقش
۱	Fraud	احتمال گزارشگری متقلبانه	میانجی
۲	CGQ	کیفیت حاکمیت شرکتی	مستقل
۳	SM ₁	مدیریت ذینفعان (روش اول)	وابسته
۴	SM ₂	مدیریت ذینفعان (روش دوم)	وابسته
۵	Size	اندازه شرکت	کنترلی
۶	Lev	اهرم مالی	کنترلی

کیفیت حاکمیت شرکتی

متغیر مستقل در پژوهش حاضر، کیفیت حاکمیت شرکتی است که برای سنجش آن از شاخص چند بعدی و ترکیبی حساس یگانه و سلیمی (۱۳۹۰، ۲۴) استفاده شده است. این مدل یکی از الگوهای جامع برای رتبه‌بندی کیفیت حاکمیت شرکتی در محیط ایران است. ایشان با انجام بررسی‌های لازم نهایتاً چهار بعد اثرات مالکیت، شفافیت، حقوق سهامداران و اثربخشی هیئت مدیره را به عنوان ابعاد مدل در نظر گرفتند. هر یک از این ابعاد سه یا چهار مؤلفه و هر یک از مؤلفه‌ها شامل چندین شاخص (در مجموع ۹۳ شاخص) است. در این مدل با استفاده از روش علمی مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل نتایج، وزن هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مشخص شده است. هر کدام از این شاخص‌ها دارای ضریبی بوده و پس از آنکه نمره صفر یا یک برای هر یک از شاخص‌ها لحاظ شد، نمره نهایی کیفیت حاکمیت شرکتی آن‌ها محاسبه می‌شود.

مدیریت ذینفعان

با در نظر گرفتن تحقیقات گذشته در خصوص مفهوم مدیریت ذینفعان از قبیل کلارکسون (۱۹۹۵، ۲)، پنج گروه، شامل سهامداران، اعتباردهندگان، دولت، تأمین‌کنندگان کالا و خدمات و کارکنان به عنوان گروه‌های ذینفع در این پژوهش شناسایی شده‌اند. منافع دولت، سهامداران و اعتباردهندگان را می‌توان به ترتیب با متغیرهای مالیات بر درآمد پرداختی، سود تقسیمی پرداختی به سهامداران و سود تضمین شده پرداختی بابت تسهیلات مالی که در صورت جریان وجوه نقد منعکس می‌شود، اندازه‌گیری نمود. وجوه پرداختی به تأمین‌کنندگان و حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان نیز با مراجعه به یادداشت‌های توضیحی نمونه مورد مطالعه و از طریق روابط ۱ و ۲ اندازه‌گیری شد:

رابطه ۱)

تغییرات در موجودی مواد اولیه \pm مواد مستقیم و غیرمستقیم مصرف شده = وجوه پرداختی به تأمین‌کنندگان

رابطه ۲)

حقوق و دستمزد اداری و فروش + حقوق غیر مستقیم + حقوق مستقیم = حقوق پرداختی به کارکنان

در پژوهش حاضر، به تبعیت از گل محمدی و همکاران (۱۳۹۶، ۳۸۱) جهت اندازه‌گیری متغیر مدیریت ذینفعان از دو روش استفاده شده است. در روش اول از نسبت جریان‌های نقدی پرداخت شده به هر کدام از گروه‌های ذینفع به کل جریان‌های نقدی ورودی به شرکت استفاده گردید؛ بدین صورت که نسبت‌های محاسبه شده برای هر یک از ۵ گروه ذینفع به چهار چارک تقسیم می‌شوند. در چارک اول شرکت‌هایی قرار می‌گیرند که بیشترین نمره مدیریت ذینفعان را کسب نموده باشند؛ به این شرکت‌ها عدد ۴ اختصاص می‌یابد و همین‌طور برای چارک دوم عدد ۳، برای چارک سوم عدد ۲ و برای چارک چهارم عدد ۱ اختصاص می‌یابد. با توجه به اینکه در این روش ۵ گروه ذینفع برای اندازه‌گیری مدیریت ذینفعان قابل شناسایی هستند، لذا بیشترین عدد قابل اختصاص به مدیریت ذینفعان عدد ۲۰ و کمترین آن نیز عدد ۵ خواهد بود. شاخص اندازه‌گیری شده با این روش را با SM_1 نشان می‌دهیم.

در روش دوم از جریان‌های نقد عملیاتی استفاده می‌شود و با توجه به اینکه وجوه پرداختی بابت خرید مواد اولیه و حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان در محاسبه آن لحاظ گردیده است؛ صرفاً دولت، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به عنوان ذینفعان شرکت شناسایی شده و نسبت جریان‌های نقدی پرداختی به هر یک از این ذینفعان به جریان‌های نقدی عملیاتی محاسبه می‌شود و مانند روش اول نسبت‌های محاسبه شده به چهار چارک تقسیم‌بندی می‌شوند. تفاوتی که این روش با روش قبل دارد این است که جریان‌های نقد عملیاتی می‌تواند منفی باشد؛ لذا ابتدا نسبت‌های منفی از کوچک به بزرگ و سپس نسبت‌های مثبت از بزرگ به کوچک مرتب شده و در وهله بعد، کل نسبت‌ها به چهار چارک تقسیم‌بندی می‌شوند. در این روش حداکثر عدد قابل اختصاص به مدیریت ذینفعان با توجه به تعداد ذینفعان ۱۲ و حداقل ۳ خواهد بود. شاخص محاسبه شده در این روش را با SM_2 نشان می‌دهیم.

احتمال گزارشگری متقربانه

متغیر میانجی پژوهش حاضر احتمال گزارشگری متقربانه است که برای اندازه‌گیری آن به تبعیت از خواجه‌وی و ابراهیمی (۱۳۹۷، ۷۹) و مطابق با استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان «مسئولیت حسابرسان در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی»، از علائم نشان دهنده احتمال وجود تحریف ناشی از گزارشگری مالی متقربانه به شرح زیر استفاده گردید:

۱. بیش‌نمایی موجودی کالا؛ ۲. بیش‌نمایی حساب‌ها و اسناد دریافتی؛ ۳. بیش‌نمایی دارایی‌های ثابت؛ ۴. بیش‌نمایی سرمایه‌گذاری‌ها؛ ۵. کسری ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول؛ ۶. کسری استهلاک؛ ۷. بیش‌نمایی درآمدها؛ ۸. بیش‌نمایی سود؛ ۹. بیش‌نمایی سود انباشته؛ ۱۰. کم‌نمایی حساب‌ها و اسناد پرداختی؛ ۱۱. کسری ذخیره مالیات؛ ۱۲. بدهی‌های احتمالی؛ ۱۳. کسری ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان؛ ۱۴. کم‌نمایی هزینه‌ها؛ ۱۵. حساب‌ها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسید آن‌ها گذشته است؛ ۱۶. موجودی راکد؛ ۱۷. دارایی راکد؛ ۱۸. مشکلات تداوم فعالیت؛ ۱۹. اشتباه در به‌کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه و افشاء.

چنانچه هر یک از این علائم در بندهای تعدیلی گزارش‌های حسابرسی سالانه شرکت‌ها وجود داشته باشد، مقدار آن برابر با ۱ خواهد بود که بیانگر احتمال گزارشگری متقلبانه است و در غیر این صورت مقدار صفر به آن اختصاص می‌یابد.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت

شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک بیشتر در معرض موشکافی و بررسی توسط عموم قرار می‌گیرند. بنابراین انگیزه کمتری برای ارتکاب اعمال متقلبانه دارند. این گونه شرکت‌ها از منابع عظیم مالی برخوردارند و این منابع را به طرق گوناگون و از مجرای تعامل با ذینفعان مختلف همچون اعتباردهندگان، مشتریان عمده، سرمایه‌گذاران و... به دست می‌آورند. بنابراین، اینگونه شرکت‌ها تلاش می‌کنند در جهت منافع کلیه ذینفعان گام بردارند و به عبارت بهتر روابط ذینفعان را مدیریت نمایند. اندازه شرکت از طریق لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌گردد.

اهرم مالی

شرکت‌هایی که میزان بدهی آن‌ها بالاست به احتمال زیاد به گزارشگری متقلبانه متوسل می‌شوند. این گونه شرکت‌ها برای تأمین مالی مورد نیاز خود بیشتر از بدهی بهره می‌گیرند تا انتشار سهام.

بنابراین، مبلغ بهره‌پرداختی به اعتباردهندگان باعث کاهش وجوه پرداختی به سایر گروه‌های ذینفع همچون سرمایه‌گذاران می‌گردد. با این تفاسیر می‌توان انتظار داشت اهرم مالی، مدیریت ذینفعان را تحت تأثیر قرار دهد. اهرم مالی برابر است با نسبت بدهی‌های بلندمدت به مجموع دارایی‌ها.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

آمار توصیفی بیانگر اطلاعاتی در مورد پارامترهای مرکزی و پراکندگی داده‌های تحقیق است. شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی می‌تواند در دامنه صفر تا یک قرار گیرد. مقادیر حداقل و حداکثر برای متغیر مزبور به ترتیب ۰/۳۶ و ۰/۷۴ است و میانگین محاسبه شده برای این متغیر نشان می‌دهد کیفیت حاکمیت شرکتی به طور متوسط در بین شرکت‌های نمونه ۰/۵۳ بوده که در سطح مناسبی قرار دارد. احتمال گزارشگری متقلبانه نیز یک متغیر دو وجهی است؛ نتایج گویای آن است که از بین ۱۰۵۶ سال-شرکت مشاهده، ۵۰۹ سال-شرکت که ۴۸/۲ درصد از نمونه پژوهش را تشکیل می‌دهد، حداقل دارای یکی از علائم نشان‌دهنده تقلب در صورت‌های مالی بوده‌اند. مقدار میانگین برای متغیر مدیریت ذینفعان در هر دو روش اول و دوم به ترتیب ۱۲/۵ و ۷/۵ می‌باشد. شرکت‌هایی که مقدار SM_2 در آن‌ها برابر ۱۲ است، بدین معناست که مدیریت ذینفعان به خوبی در آن‌ها رعایت شده است؛ این در حالیست که در شرکت‌هایی با نمره مدیریت ذینفعان ۳ این قضیه کاملاً برعکس می‌باشد. اهرم مالی در کمیته خود به صفر می‌رسد که نشان می‌دهد شرکت‌هایی با چنین ویژگی در ساختار سرمایه خود صرفاً از بدهی کوتاه‌مدت و سهام استفاده کرده‌اند. با این حال به طور میانگین در حدود ۸ درصد از ساختار سرمایه شرکت‌های نمونه از بدهی بلندمدت تشکیل شده است.

به منظور کاهش تأثیر داده‌های پرت، داده‌ها در سطح ۲ درصد وینسورایز شده‌اند. همچنین، به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی از آزمون VIF استفاده گردید و با توجه به اینکه آماره مذکور برای تمامی متغیرهای توضیحی کوچک‌تر از ۵ بود، نتیجه می‌گیریم بین متغیرهای توضیحی، هم‌خطی (همبستگی) بالا وجود ندارد.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش

متغیر	SM2	SM1	SIZE	LEV	CGQ
میانگین	۷/۵	۱۲/۵	۲۷/۹	۰/۰۷	۰/۵۳
میانه	۸	۱۲	۲۷/۷	۰/۰۴	۰/۵۳
ماکزیمم	۱۲	۱۶	۳۱/۸	۰/۳۶	۰/۷۴
مینیمم	۳	۹	۲۵/۵	۰	۰/۳۶
انحراف معیار	۲/۴۴	۱/۸۵	۱/۳۳	۰/۰۸	۰/۰۸
چولگی	-۰/۲۷	۰/۰۰۵	۰/۸۲	۱/۷۷	۰/۲۹
کشیدگی	۲/۴۸	۲/۲۲	۳/۹۰	۵/۷۶	۳/۱۸
آماره جارک-برا	۲۴/۶۲	۲۶/۵۷	۱۵۴/۵	۸۹۳/۵	۱۶/۹۵
احتمال جارک-برا	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲

جدول ۴. آمار توصیفی متغیر دو وجهی

نام متغیر	تعریف دو وضعیت	تعداد	درصد
احتمال گزارشگری متقلبه	سالم	۵۴۷	۵۱/۸
	متقلب	۵۰۹	۴۸/۲

جدول‌های ۵ الی ۷، آمار توصیفی متغیرهای میانی مورد استفاده جهت محاسبه متغیرهای احتمال گزارشگری متقلبه و مدیریت ذینفعان را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود، حساب‌ها

و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسیدشان گذشته، اشتباه در بکارگیری استانداردهای حسابداری و کسری ذخیره مالیات به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند؛ این موضوع بیانگر آن است که شرکت‌ها بیشتر به ابزارهای مالیاتی، مطالبات و شکاف‌های موجود در استانداردهای حسابداری متوسل می‌شوند. از سوی دیگر، بیش نمای داریی ثابت و مشکلات تداوم فعالیت دارای کمترین فراوانی است.

جدول ۵. آمار توصیفی علایم نشان دهنده تقلب

ردیف	علایم تقلب	فراوانی	ردیف	علایم تقلب	فراوانی
۱	بیش نمایی موجودی کالا	۳	۲	بیش نمایی حساب‌ها و اسناد دریافتی	۶
۳	بیش نمایی داریی ثابت	۱	۴	بیش نمایی سرمایه گذاری‌ها	۲۲
۵	کسری ذخیره مطالبات مشکوک الوصول	۱۸۳	۶	کسری استهلاک	۶
۷	بیش نمایی درآمدها	۵	۸	بیش نمایی سود	۱۱
۹	بیش نمایی سود انباشته	۱۷	۱۰	کم نمایی حساب‌ها و اسناد پرداختی	۲۳
۱۱	کسری ذخیره مالیات	۲۱۲	۱۲	بدهی‌های احتمالی	۱۳
۱۳	کسری ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان	۳۶	۱۴	کم نمایی هزینه‌ها	۱۷
۱۵	حساب‌ها و اسناد دریافتی که مدت زیادی از سررسیدشان گذشته است	۲۷۶	۱۶	موجودی راكد	۱۰۹
۱۷	داریی راكد	۵۶	۱۸	مشکلات تداوم فعالیت	۱
۱۹	اشتباه در بکارگیری استانداردهای حسابداری	۲۴۲			

جدول ۶. آمار توصیفی متغیرهای میانی $SM1$

نسبت وجه نقد پرداختی به کارکنان به کل جریان وجه نقد ورودی	نسبت وجه پرداختی به تامین کنندگان به کل جریان وجه نقد ورودی	نسبت سود تضمین شده پرداختی به کل جریان وجه نقد ورودی	نسبت سود سهام پرداختی به کل جریان وجه نقد ورودی	نسبت مالیات پرداختی به کل جریان وجه نقد ورودی	
۰/۱۳۵	۰/۳۹۲	۰/۰۳۰	۰/۰۴۷	۰/۰۲۴	میانگین
۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	خطای استاندارد
۰/۱۰۲	۰/۳۷۵	۰/۰۲۴	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱	میانه
۰/۳۲۷	۰/۲۱۲	۰/۰۲۷	۰/۰۶۳	۰/۲۰۸	انحراف معیار
۹۲۱/۲	۱/۸۷۶	۱۰/۲۷	۵/۱۷۱	۱۰۱۴/۱	کشیدگی
۲۹/۳۷	۰/۷۹۷	۲/۱۶۷	۲/۱۰۷	۳۱/۵۶	چولگی
۱۰/۳۸	۱/۷۲۹	۰/۲۷۵	۰/۴۳۲	۶/۷۳	دامنه تغییرات
۰/۰۱۵	۰/۰۱۲۸	۰	۰	۰	حداقل
۱۰/۳۹	۱/۷۴۲	۰/۲۷۵	۰/۴۳۲	۶/۷۳	حداکثر

جدول ۷. آمار توصیفی متغیرهای میانی $SM2$

نسبت مالیات پرداختی به وجه نقد عملیاتی	نسبت سود سهام پرداختی به وجه نقد عملیاتی	نسبت سود تضمین شده به وجه نقد عملیاتی	
-۰/۲۵۵	۰/۳۲۴	۰/۲۳۸	میانگین
۰/۳۳۸	۰/۰۷۳	۰/۲۰۵	خطای استاندارد
۰/۰۹۳	۰/۲۰۷	۰/۱۷۸	میانه
۱۱/۰۱	۲/۴۰۳	۶/۶۶۵	انحراف معیار
۹۸۷/۸	۳۸۴/۴	۳۷۸/۷	کشیدگی
-۳۱/۰۲	-۱۱/۷۲	-۸/۶۱۹	چولگی
۳۵۷/۵	۸۸/۷	۲۶۹/۵	دامنه تغییرات
-۳۵۱/۹	-۵۹/۰۹	-۱۵۳/۷	حداقل
۵/۶۸۹	۲۹/۶۹	۱۱۵/۷	حداکثر

آمار استنباطی

فرضیه اول بیان می‌کند که کیفیت حاکمیت شرکتی بر احتمال گزارشگری متقلبانه تأثیر معکوس و معنی‌دار دارد. از رگرسیون لجستیک جهت برآورد مدل مربوطه استفاده گردید؛ آماره LR در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ این موضوع نشان‌دهنده معنی‌داری کلی مدل برازش شده بوده و ضریب تعیین مک فادن گویای آن است که ۰/۰۱۷ از تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. احتمال آماره آزمون هاسمر-لمشو برابر با ۰/۴۸ است که نشان می‌دهد الگوی برآورد شده از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین، با توجه به سطح معنی‌داری کیفیت حاکمیت شرکتی که کم‌تر از ۱ درصد است، می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این فرضیه رد نمی‌گردد. بر اساس فرضیه دوم و سوم، احتمال گزارشگری متقلبانه بر مدیریت ذینفعان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. مقدار احتمال آماره (آماره) برای این دو فرضیه به ترتیب برابر با ۰/۳۲۶ (۰/۹۸-) و ۰/۰۰۱ (۳/۲۴-) است و نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد احتمال گزارشگری متقلبانه صرفاً رابطه معنی‌داری با روش دوم مدیریت ذینفعان دارد. در فرضیه چهارم و پنجم، با دو روش به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان پرداخته شد؛ با بررسی نتایج مشخص شد که سطح معنی‌داری (و آماره) متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی در هر دو فرضیه به ترتیب برابر ۰/۵۱۵ (۰/۶۵) و ۰/۰۰۳ (۳/۰۰) است؛ بنابراین، کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان با در نظر گرفتن روش دوم تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد. در فرضیه ششم و هفتم، نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان در چارچوب آزمون سوبل مورد بررسی قرار گرفت. سطح معنی‌داری و آماره آزمون سوبل در هر دو فرضیه برابر با ۰/۳۵۳ (۰/۹۲۸) و ۰/۰۱۳ (۲/۴۶۸) است که می‌توان اظهار داشت نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و روش دوم مدیریت ذینفعان رد نمی‌گردد.

جدول ۸. نتیجه برآورد مدل‌های رگرسیونی

فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم	فرضیه پنجم		
-۱/۷۷				۲/۱۲	کیفیت حاکمیت شرکتی	ضریب
۰/۴۵۴			۰/۶۴۱	۰/۷۰۷		خطای استاندارد
-۳/۹۱		-----	۰/۶۵	۳/۰۰		آماره
۰/۰۰۰۱			۰/۵۱۵	۰/۰۰۳		احتمال آماره
		-۰/۴۴۶	-۰/۱۱۱		احتمال گزارشگری متقلبانه	ضریب
		۰/۱۳۷	۰/۱۱۳			خطای استاندارد
		-۳/۲۴	-۰/۹۸			آماره
		۰/۰۰۱	۰/۳۲۶			احتمال آماره
۰/۰۷۵	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۶	-۰/۲۰۸	-۰/۰۱۷	اندازه شرکت	ضریب
۰/۰۲۸	۰/۰۴۹	۰/۰۵۲	۰/۰۵	۰/۰۵۲		خطای استاندارد
۲/۶۸	-۴/۱۸	۰/۱۳	-۴/۱۶	-۰/۳۴		آماره
۰/۰۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۸۹۹	۰/۰۰۰۱	۰/۷۳۳		احتمال آماره
۰/۶۳۷	-۱/۳۲۳	-۳/۱۸۲	-۱/۳۶	-۳/۳۷۸	اهرم مالی	ضریب
۰/۴۱۸	۰/۶۲۹	۰/۷۰۵	۰/۶۲۵	۰/۶۹۸		خطای استاندارد
۱/۵۲	-۲/۱۰	-۴/۵۱	-۲/۱۷	-۴/۸۴		آماره
۰/۱۲۸	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰۱		احتمال آماره
-۱/۲۵۸	۱۸/۳۷	۷/۹۲۲	۱۸/۱۵	۷/۲۹۳	عرض از مبدا	ضریب
۰/۸۲۷	۱/۳۸۲	۱/۴۶۱	۱/۴۴	۱/۵۰۴		خطای استاندارد
-۱/۵۲	۱۳/۲۹	۵/۴۲	۱۲/۵۴	۴/۸۵		آماره
۰/۱۲۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱		احتمال آماره
۲۵/۸۷	۲۳/۹۹	۳۳/۴۱	۲۲/۶۲	۳۳/۰۱	آماره والد	آماره
۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱		احتمال آماره
عدم رد فرضیه	عدم رد فرضیه	رد	عدم رد فرضیه	عدم رد فرضیه	نتیجه آزمون فرضیه	

جدول ۹. آزمون سویل برای بررسی نقش میانجی

مدل	t آماره	احتمال آماره	نتیجه
فرضیه ششم	۰/۹۲۸	۰/۳۵۳	رد نقش میانجی
فرضیه هفتم	۲/۴۶۸	۰/۰۱۳	عدم رد نقش میانجی

بحث و نتیجه گیری

امروزه تغییر اطلاعات حسابداری یا افشاء نکردن آن‌ها که همگی تحت عنوان گزارشگری متقابلانه شناخته می‌شود، یکی از روش‌هایی است که مدیران شرکت‌های ورشکسته می‌توانند جهت مخفی کردن عملکرد نامناسب خود به آن متوسل شوند؛ موضوعی که می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به اطلاعات مالی خدشه‌دار کند؛ بنابراین بر آن شدیم تا در فرضیه اول به تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر احتمال گزارشگری متقابلانه بپردازیم. نتایج حاصل از برازش مدل نشان داد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد کیفیت حاکمیت شرکتی بر احتمال گزارشگری متقابلانه تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد؛ به عبارت دیگر هر چه نمره کیفیت حاکمیت شرکتی بالا باشد، امکان ارتکاب اقدامات متقابلانه کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش‌های مارتینز و جونیور (۲۰۲۰، ۸۰)، رزالی و ارشد (۲۰۱۴، ۲۴۷) و خواجهی و ابراهیمی (۱۳۹۷، ۸۰) همسو می‌باشد. به عبارتی می‌توان اظهار داشت راهبری نامناسب عامل اصلی ارتکاب اقدامات تقلب‌زا در داخل شرکت‌هاست؛ بنابراین، استقرار یک سامانه قدرتمند حاکمیتی می‌تواند راهکاری مؤثر جهت کاهش این گونه اقدامات تقلب‌زا در شرکت‌ها باشد. استقرار سازوکارهای راهبری قوی می‌تواند از طریق پایین آوردن تضاد منافع میان سهامداران و نمایندگان آن‌ها باعث بهبود در کیفیت گزارشگری مالی گردد. آنچه مشخص است این است که بدون استقرار سیستم حاکمیت شرکتی خوب، تأثیر کلی طرح‌های مبارزه با تقلب کاهش می‌یابد و رشد این گونه شرکت‌ها تحلیل می‌رود. پیامدها و هزینه‌های مستقیمی از قبیل صدمه به شهرت شرکت، کاهش قابلیت سودآوری آتی و همچنین زیان‌های ناشی از عدم اطمینان بازارها که تقلب و فساد مالی به جامعه و شرکت‌ها تحمیل می‌کند، گویای ضرورت مبارزه با این مسئله است.

در بررسی فرضیه دوم و سوم که بیان می‌دارد احتمال گزارشگری متقلبانه بر مدیریت ذینفعان تأثیر معکوس و معنی‌دار دارد، نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش گویای آن است که در سطح خطای ۵ درصد احتمال گزارشگری متقلبانه بر روش دوم مدیریت ذینفعان تأثیر معنی‌داری دارد؛ لیکن در خصوص روش اول مدیریت ذینفعان این قضیه صادق نیست. تاکنون پژوهشی که به بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت ذینفعان پرداخته باشد، انجام نشده است و به همین خاطر عوامل مؤثر بر مدیریت ذینفعان ناشناخته هستند؛ لیکن در تفسیر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین احتمال گزارشگری متقلبانه و مدیریت ذینفعان در روش اول (SM₁) می‌توان اینگونه عنوان کرد که در محیط تجاری ایران، تأثیر گزارشگری متقلبانه بیشتر متوجه سهامداران و منافع آن‌هاست که فقط یک گروه از ذینفعان شرکت را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، تقلب مدیران بیش از همه، باعث تضییع حقوق سهامداران و منافع آن‌ها می‌گردد.

امروزه یکی از بحث‌های مطرح در حاکمیت شرکتی این است که چگونه می‌توان ثروت سهامداران را در چارچوب تئوری نمایندگی افزایش داد و همزمان منافع و نیازهای گروه کثیری از ذینفعان را نیز برآورده ساخت؛ به عبارت دیگر، آیا باید مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مبتنی بر انتظارات اجتماعی محیط تجاری باشد یا اینکه صرفاً نیازهای سهامداران در کانون توجه قرار گیرد. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه ذینفعان گویای آن است که برقراری توازن میان منافع تمام گروه‌های ذینفع در شرکت‌ها موجبات بهبود در عملکرد و بهره‌وری را فراهم می‌کند (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۷۳). در فرضیه چهارم و پنجم به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان پرداختیم. نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی نشان داد که کیفیت حاکمیت شرکتی بر روش دوم مدیریت ذینفعان تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد ولی در خصوص روش اول این قضیه صادق نیست. در تفسیر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان در روش اول (SM₁) می‌توان اظهار داشت که این یافته‌ها منطبق با فرضیه فرصت‌طلبی مدیران در تئوری نمایندگی است. مطابق این تئوری، مدیران در سطوح سودآوری بالا از هزینه‌های غیرضروری و در جهت تأمین منافع سایر ذینفعان می‌کاهند. در مجموع نتایج حاکی از آن است که مسئله مدیریت ذینفعان در محیط تجاری ایران بیشتر در جهت تأمین منافع سهامداران صورت می‌گیرد و مفاهیم تئوری نمایندگی از برجستگی و نمود بیشتری برخوردار است.

در فرضیه ششم و هفتم به بررسی نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان پرداخته شد. جهت پاسخ به این فرضیه‌ها، تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی در چارچوب آزمون سوبل صورت گرفت. برای تأیید نقش میانجی احتمال گزارشگری متقلبانه لازم است ابتدا رابطه معنی‌داری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری متقلبانه و نیز احتمال گزارشگری متقلبانه و مدیریت ذینفعان وجود داشته باشد؛ نتایج حاکی از آن بود که صرفاً نقش احتمال گزارشگری متقلبانه به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و روش دوم مدیریت ذینفعان (SM₂) رد نمی‌گردد.

پیشنهادها برای استفاده‌کنندگان

- ۱- با توجه به عدم رد رابطه معنی‌دار بین کیفیت حاکمیت شرکتی و احتمال گزارشگری متقلبانه (فرضیه اول)، پیشنهاد می‌شود به منظور به حداقل رساندن عوامل تقلب‌زا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، زمینه استقرار یک سیستم مناسب حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها فراهم گردد.
- ۲- نظر به عدم رد فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر رابطه حاکمیت شرکتی و مدیریت ذینفعان، به سازمان حسابرسی به عنوان نهاد متولی تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان متولی بازار سرمایه و تدوین دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن شرایط تجاری و مطالعه محیط تجاری و اقتصادی کشور به طور ویژه‌تری، زمینه گزارشگری جامع را فراهم آورد تا حداقل نیازهای اطلاعاتی گروه‌های ذی‌نفع پوشش داده شود.
- ۳- با وجود آن که سرمایه‌گذاران یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی در شرکت‌ها محسوب می‌شوند، لیکن در نظر گرفتن منافع کلیه ذینفعان با ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی ما سازگارتر است؛ مطابق با آموزه‌های دینی، منافع اجتماعی بر منافع شخصی ارجحیت داشته و دستیابی به اهداف شخصی در گرو ضایع نمودن منافع جمعی عملی مذموم انگاشته می‌شود. بنابراین با در نظر گرفتن تاثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت ذینفعان بدست آمده از فرضیه دوم پژوهش، توجه استانداردگذاران و قانونگذاران به مقوله ذینفعان امری قابل تأمل است.

پیشنهادها برای مطالعات آتی

۱- در پژوهش حاضر جهت اندازه‌گیری مدیریت ذینفعان از رویکرد جریان‌ات نقدی پرداختی به هر یک از گروه‌های ذینفع استفاده شده است؛ جریان‌ات نقدی از مهم‌ترین متغیرهای حسابداری است که همواره مورد توجه سهامداران و ذینفعان بوده است. علی‌رغم این موضوع، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی از شاخص‌های کیفی یا کمی - کیفی جهت اندازه‌گیری مدیریت ذینفعان استفاده گردد.

۲- با توجه به این که این پژوهش جزو معدود پژوهش‌هایی است که مدیریت ذینفعان را به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار داده است، ضروری است تا در پژوهش‌های مستقل دیگری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شود تا عوامل مؤثر بر مدیریت ذینفعان بیشتر شناخته شوند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که رابطه ساختار سرمایه و مدیریت ذینفعان مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- بنی مهد، بهمن. (۱۴۰۰). تبیین تمایلات رفتاری در گزارشگری مالی متقلبان: آزمون نظریه روان‌شناسی ثبات رفتاری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۰(۳۷)، ۱۲۹-۱۴۱.
- حساس یگانه، یحیی؛ سلیمی، محمد جواد. (۱۳۹۰). مدلی برای رتبه بندی حاکمیت شرکتی در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۸(۳۰)، ۱-۳۵.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران. *مجله حسابرس*، شماره ۳۲، ۳۲-۳۹.
- حسینی، سید علی؛ حقیقت، سرور. (۱۳۹۵). رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۶(۴)، ۱۰۳-۱۲۸.
- خلیفه سلطانی، سیداحمد؛ نایب محسنی، شیدا (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی و تقلب. *ماهنامه بورس*، شماره ۱۱۱، ۹-۱۱.
- خواجوی، شکراله؛ ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۶(۲)، ۷۴-۸۴.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۹۴). استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران. مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی. تجدید نظر شده ۱۳۹۴.
- سجادی، سید حسین؛ کاظمی، توحید. (۱۳۹۵). الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبان در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۶(۳)، ۱۸۵-۲۰۴.
- صفری گرابلی، مهدی؛ بالارستاقی، عالیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۷)، ۹۳-۱۱۲.
- طالبی، هاشم؛ حسینی، معصومه. (۱۳۹۴). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر حاکمیت شرکتی با مدل ANP. *دومین همایش ملی حاکمیت شرکتی*، ۱۱-۱.
- طالعی قره قشلاقی، زهرا؛ غیور، فرزاد؛ دیدار، حمزه. (۱۳۹۸). نقش سویه‌های رفتاری مدیریت بر مدیریت ذینفعان با تأکید بر اثر تعدیل‌گری کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی*، ۳(۱)، ۷۵-۱۰۱.

- طاهری، ماندانا؛ امینی، یاسین. (۱۳۹۹). نقش حاکمیت شرکتی و رعایت حقوق ذی‌نفعان در بانکداری اسلامی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۱). ۳۸-۱.
- عیسای نقرشی، محمد؛ یحیی پور، جمشید. (۱۳۹۲). تئوری ذی‌نفعان با رویکرد مقررات شرکت‌های سهامی ایران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۶(۲۳). ۱۶۷-۱۳۹.
- گل محمدی شورکی، مجتبی؛ پورحیدری، امید؛ بهارمقدم، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدیریت ذی‌نفعان بر سود تقسیمی و ارزش شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۳). ۳۷۱-۳۹۴.
- مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حساب‌برسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۶(۱). ۱۴۱-۱۷۳.

References

- Agle, B. R; Mitchell, R. K; & Sonnenfeld, J. A. (1999). Who matters to CEOs? An investigation of stakeholder attributes and salience, corporate performance, and CEO values. *Academy of management journal*, 42(5), 507-525.
- Auditing Organization (2015). Auditing Standard No. 240 of Iran, Auditor's Responsibility for Fraud in Auditing Financial Statements, Revised 2015. (In Persian).
- Banimahd, B. (2021). Explaining Behavioral Tendencies in Fraudulent Financial Reporting: A Psychological Theory Test of Behavior Stability. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 10(37), 129-141. (In Persian).
- Barney, J. B; & Hansen, M. H. (1994). Trustworthiness as a source of competitive advantage. *Strategic management journal*, 15(S1), 175-190.
- Benson, B. W; & Davidson, W. N. (2010). The relation between stakeholder management, firm value, and CEO compensation: A test of enlightened value maximization. *Financial Management*, 39(3), 929-964.
- Clarkson, M. E. (1995). A stakeholder framework for analyzing and evaluating corporate social performance. *Academy of management review*, 20(1), 92-117.
- Donaldson, T; & Preston, L. E. (1995). The stakeholder theory of the corporation: Concepts, evidence, and implications. *Academy of management Review*, 20(1), 65-91.
- Freeman, R. E. (1984). Stakeholder management: a strategic approach. *New York: Pitman*.
- Galbreath, J. (2006). Does primary stakeholder management positively affect the bottom line? Some evidence from Australia. *Management decision*.

- Golmohammadi, M; Pourheidari, O; Baharmoghaddam, M. (2017). Studying the Impact of Stakeholder Management on Dividends and Firm Value. *Accounting and Auditing Review*, 24(3), 371-394. (In Persian).
- Hassas Yeganeh, Y.(2006). Corporate governance in Iran. *Auditor Journal*, 32, 32-39. (In Persian).
- Hassas Yeganeh, Y; Salimi, M. (2010). Developing a Model for Corporate Governance Rating in Iran. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 8(30), 1-35. (In Persian).
- Hill, C. W; & Jones, T. M. (1992). Stakeholder-agency theory. *Journal of management studies*, 29(2), 131-154.
- Hosseini, S; Haghghat, S. (2016). The Relationship between Corporate Governance and Community Engagement in Listed Companies of Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 6(4), 103-128. (In Persian).
- Isaei Tafreshi, M; Yahyapoor, J. (2013). Stakeholder theory with regulatory approach of Iranian joint stock companies. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 6(23), 139-167. (In Persian).
- Kazemi, T. (2016). A Comprehensive Pattern of Fraudulent Financial Reporting in Iran, Grounded Theory. *Empirical Research in Accounting*, 6(3), 185-204. (In Persian).
- Khajavi, S; Ebrahimi, M. (2018). Investigating the Impact of Corporate Governance Mechanisms on Financial Statements Fraud of the Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(2), 71-84. (In Persian).
- Kurniawanto, H. (2021, February). Corporate Governance and corporate Risk Disclosure: Evidence from Malaysia. In *Proceeding ICTESS (Internasional Conference on Technology, Education and Social Sciences)*.
- Liao, L; Chen, G; & Zheng, D. (2019). Corporate social responsibility and financial fraud: evidence from China. *Accounting & Finance*, 59(5), 3133-3169.
- Mainardes, E. W; Alves, H; & Raposo, M. (2011). Stakeholder theory: issues to resolve. *Management decision*.
- Martins, O. S; & Ventura Júnior, R. (2020). The influence of corporate governance on the mitigation of fraudulent financial reporting. *Revista Brasileira de Gestão de Negócios*, 22(1), 65-84.
- Moradi, J; Rostami, R; Zare, R. (2014). Recognizing Risk Factors Affecting Fraud Probability in Financial Reporting from Auditors' Viewpoint and Its Impact on Firms' Performance. , 6(1), 141-173. (In Persian).
- Nayebmohseni, S; Khalifehsultani, S. (2014). Corporate governance and fraud. *Bourse Magazine*, 111, 9-11. (In Persian).
- OECD Principles of Corporate Governance (2004). Organization for economic co-operation and development. Principe's degouvernement d'entreprise de l' OCDE publication. Paris, France.

- Razali, W. A. A. W. M; & Arshad, R. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 243-253.
- Riany, M; Sukmadilaga, C; & Yunita, D. (2021). Detecting Fraudulent Financial Reporting Using Artificial Neural Network. *Journal of Accounting Auditing and Business*, 4(2), 60-69.
- Safari Grayeli, M; Balarastaghi, A. (2015). Factors affecting the quality of corporate governance in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 12(47), 93-112. (In Persian).
- Taheri, M; Amini, Y. (2020). The Role of Corporate Governance in Stakeholder Management in Islamic Banking. *Islamic Finance Research Bi-quarterly Journal*, 10(1), 1-38. (In Persian).
- Talebi, H; Hoseini, M. (2015). Prioritizing the factors affecting corporate governance using ANP. *The Second National Conference on Corporate Governance*, 1-11. (In Persian).
- Talei Gharegheshlaghi, Z; ghayour, F; Didar, H. (2019). The Role of Management Behavioral Strains on Stakeholders Management Emphasizing the Moderating Effect of Corporate Governance Quality. *Journal of New Researches in Accounting and Auditing*, 3(1), 75-101. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.